پیشخوان

به بهانه چاپ دوم
«کالبدشکافی سیاست انگلیسی‌ها در ایران»

بریتانیا در ایران
کارنامه‌ای به درازای ۲ قرن!

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن پیداست، «کالبدشکافی سیاست انگلیسی‌ها در ایران» را در دستور کار دارد. این کتاب در بردارنده مقالاتی است که با همین نام در آبان ۱۳۹۲ و به همت پژوهشکده تاریخ معاصر ایران برگزار شد. این مجموعه به کوشش دکتر حسین احمدی، گردآمده و پژوهشکده فوق آمده، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در باب موضوع و محتوای این تحقیق، به نکات پی‌آمده اشارت برده است:

«اهداف انگلیسی‌ها از روابط با ایران تا پایان قرن هیجدهم، بازاریابی، فروش کالا و سودجویی در راه اهدف تجاری بود. به همین دلیل تعداد فرستادگان رسمی پادشاه انگلیس به ایران، از انگشت دست تجاوز نمی‌کرد. اما در اوایل قرن نوزدهم، مناسبات ایران و انگلیس، تحت‌الشعاع، حوادث بین‌المللی از جمله پدیداری ناپلئون بناپارت در صحنه سیاسی و اندیشه وی برای تسلط بر هندوستان از راه ایران و عملیاتی شدن توسعه‌طلبی ارضی در دکترین سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. این اوضاع باعث شد، تا از سال‌های آغازین سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، کمپانی هند شرقی انگلیس یا دولت این کشور، پی‌درپی سفرایی را به تهران گسیل کنند و کشور ما را از کانون توجه خویش دور ندارند. هدف از مأموریت این سفرا، عمدتاً تضعیف و نابودی ایران از طریق رخنه سیاسی در بین دولتمردان و لایه‌های اجتماعی مختلف، برای صیانت از هندوستان و بستن قراردادهای سیاسی متعدد و گرفتن تعهدات روشن از دولت

اردشیر ریپورتر(جی)
از جاسوسان معروف انگلستان در ایران

ایران، در مقابل دادن تعهدات دوپهلو و قابل تفسیر به ایران، گردآوری اطلاعات گسترده از وضعیت فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی، از جامعه ایران و فروش کالا بود. از آن زمان بود که این حضور فعال در ایران شروع شد و سربرآوردن رقیب قدرتمندی چون امریکا در ایران پس از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ هم، نتوانست بر این حضور پایان بخشد و عملاً انگلیس و امریکا بودند که صحنه‌گردان سیاست و اقتصاد در ایران شدند. در این سالیان به‌رغم آن‌که امریکایی‌ها قدرتی تازه نفس بودند و هر روز بر حجم مداخلات سیاسی خویش می‌افزودند اما انگلیسی‌ها نیز همچنان حضور سیاسی خود را حفظ کردند و نقش سنتی خویش را ایفا می‌نمودند. نمونه بارز آن، فعالیت گسترده لژهای فراماسونری تا پایان حیات سلسله پهلوی بود. با توجه به اهمیت این صحنه‌گردانی، پژوهشکده تاریخ معاصر، همایش بین‌المللی کالبدشکافی سیاست انگلیسی‌ها را، با هدف واکاوی اسناد تاریخی و بازخوانی سیاست‌های انگلستان در ایران و اثرگذاری این سیاست‌ها در شکلگیری فرقه و انحرافات مذهبی و سیاسی در کشورمان، در میانه سال‌های ۱۸۰۰ تا ۲۰۱۲م، به دبیری علمی دکتر حسین احمدی در آبان‌ماه ۱۳۹۲ برگزار کرد که ماحصل هم‌اندیشی محققان و پژوهشگران در این همایش، کتاب کالبدشکافی سیاست انگلیسی‌ها در ایران است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۹۵، به همت انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر روانه بازار کتاب شد و اینک با توجه به استقبال علاقه‌مندان، برای بار دوم به انتشار آن در قطعه وزیری، در ۵۰۰ نسخه و ۳۵۷ صفحه اقدام کرده است. این کتاب را از طریق مراجعه به فروشگاه پژوهشکده تاریخ معاصر، یا با تماس با واحد انتشارات آن، می‌توان تهیه نمود... ».

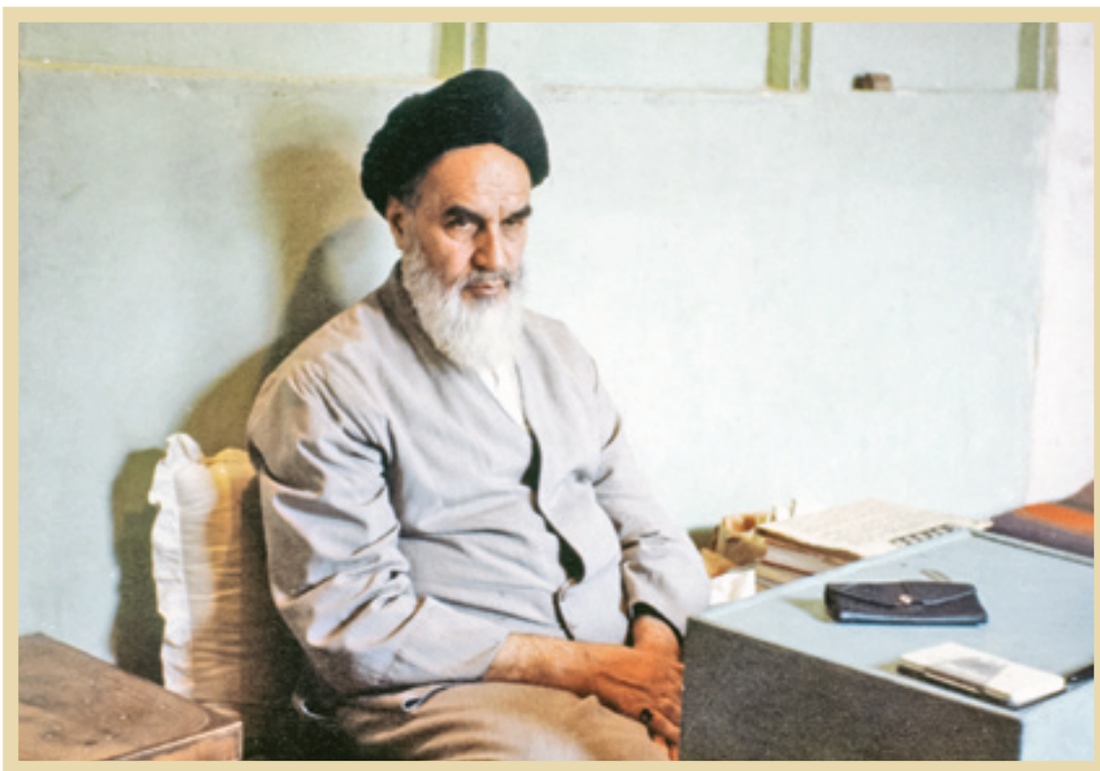

اواخر دهه ۴۰، امام خمینی در دوران تبعید در نجف

تدریس ولایت فقیه در نجف، راهنمای گروه‌های مبارز در ایران

کتابی که در مصاف با رژیم پهلوی الهام‌بخش و آرمان‌ساز شد

■ مریم صادقی‌پری

کتاب حکومت اسلامی امام خمینی (مجموعه دروس ولایت فقیه ایشان در نجف)، فراتر از یک متن نظری، به منشوری راهبردی برای گروه‌های مبارز مسلمان در دهه ۱۳۵۰ش تبدیل شد. این کتاب با تبیین اصل ولایت‌فقیه و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، الهام‌بخش جوانان و مبارزانی بود که درپی تحقق آرمان‌های اسلامی در برابر حکومت پهلوی بودند. بسیاری از گروه‌های مبارز، با تأسی به رهنمودهای امام در این کتاب، فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی کرده و در مسیر مقابله با استبداد و استعمار گام برداشتند. مقال پی آمده، روند تأسی یکی از گروه‌های مبارزاتی مسلمان به نام «فجر انقلاب» را به این کتاب بیان می‌کند. امید که برای تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان مفید باشد.

■■■

مجموعه درس‌هایی که رژیم را به چالش کشید

کتاب حکومت اسلامی (ولایت فقیه)، مجموعه ۱۳جلسه درس امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در فاصله اول تا ۲۰ بهمن ۱۳۴۸، در مسجد شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف است. این جلسات گاهی کامل و گاه به صورت یک یا چند درس، تکثیر و منتشر شده است اما در پاییز ۱۳۴۹ش و پس از ویرایش و تأیید امام، در بیروت به چاپ رسید و پنهانی به ایران فرستاده شد و همزمان به برخی از کشورهای اروپایی، امریکایی و نیز کشورهای مسلمان ارسال شد. در سال ۱۳۵۶ش و در ایران نیز با نام «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء» به ضمیمه «جهاد اکبر» تجدید چاپ شد.

این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در تبیین نظریه ولایت فقیه و لزوم تشکیل حکومت اسلامی بر پایه فقه شیعه است. امام خمینی در این کتاب استدلال می‌کند. اجرای احکام اسلام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست و مسلمانان باید برای برقراری یک حکومت دینی، تلاش کنند. نظریه اصلی کتاب این است که در عصر غیبت امام معصوم، فقهای جامع‌الشرایط به دلیل آشنایی با احکام الهی، وظیفه هدایت جامعه اسلامی را دارند. امام خمینی به شدت حکومت‌های استبدادی و استعماری را نقد می‌کند و بیان می‌دارد که حکومت‌های غیراسلامی، مانعی برای اجرای قوانین اسلام و رشد جوامع مسلمان هستند. وی تأکید دارد که احکام اسلام، جاودانه و قابل اجرا در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و تشکیل حکومت اسلامی، راهی برای اجرای این احکام در همه ادوار است. بنیانگذار جمهوری اسلامی در این کتاب، حکومت‌های غیردینی و استبدادی را طاغوت می‌نامد و مبارزه با آنها را، یک تکلیف شرعی می‌داند. این دیدگاه باعث شد بسیاری از گروه‌های مبارز اسلامی، مشروعیت بیشتری برای اقدامات خود احساس کنند و حرکت‌های اعتراضی مانند تظاهرات علیه رژیم را افزایش دهند.

> **گروه فجر انقلاب که در دل جریان‌های انقلابی و متأثر از اندیشه‌های امام خمینی شکل گرفته بود، نه تنها از آموزه‌های کتاب ولایت فقیه الهام گرفت، بلکه تلاش کرد آن را در عمل به کار گیرد. تأکید امام بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، مسیر حرکت این گروه را مشخص کرد و آنان را به یکی از نیروهای فعال در روند مبارزه تبدیل ساخت. آرمانی که بهای آن را، با شهادت و تحمل شکنجه‌های زندان پرداختند**

«ولایت فقیه»، به مثابه الهام‌بخش جریان‌های انقلابی

کتاب حکومت اسلامی، نقش مهمی در شکل گیری تفکر سیاسی بسیاری از جریان‌ها و مبارزان سیاسی داشت و ایده‌های مطرح‌شده در آن از مبانی نظری جمهوری اسلامی ایران شد. این اثر همچنین در بسیج نیروهای مذهبی و انقلابی علیه حکومت پهلوی و گروه‌های مبارز اسلامی، تأثیر ویژه‌ای داشت. این مجموعه به بسیاری از گروه‌های مبارز مذهبی این ایده را داد که تشکیل حکومت اسلامی یک ضرورت است، نه فقط یک آرمان دور از دسترس. برخی گروه‌های اسلامی که پیش‌تر صرفاً به اصلاحات اجتماعی و فرهنگی توجه داشتند، پس از مطالعه این کتاب به این نتیجه رسیدند که باید برای سرنگونی حکومت پهلوی تلاش کنند. از جمله گروه‌هایی که تحت تأثیر این اندیشه قرار گرفتند، گروه «فجر انقلاب» است. اسناد ساواک و خاطرات اعضای این گروه، روایتی عینی را از نقش هدایتی این کتاب، در شناخت آنان برای مبارزه بیان می‌کند.

آشنایی با گروه «فجر انقلاب»

نام گروه فوق آمده را، در روزهایی که در دادگاه نظامی رژیم پهلوی محاکمه می‌شدند، بر آن نهادند. تا قبل آن، به دلیل رعایت مخفی‌کاری، حتی خیلی از اعضا همدیگر را ندیده بودند. عمر فعالیت گروه، یک سال بیشتر طول نکشید و در بهمن ۱۳۵۳ش، پس از مجروح شدن و دستگیری محمدعلی باقری از اعضای گروه در یک عملیات، ساواک توانست به ماهیت این تشکل و اعضای آن پی ببرد. البته محمدعلی، در حالی که از ناحیه پا تیر خورده بود، مقاومت کرد. اما پیدا شدن سند یک موتورسیکلت به نام شهیدسید حمیدرضا فاطمی، رهبر گروه در خانه وی، سرنخی برای ساواک بود که آنان را به دیگر اعضای گروه رساند.

گروه فجر انقلاب در سال ۱۳۵۲ش، از سوی سید حمیدرضا فاطمی تشکیل شد. اکثر اعضای آن، دانشجو بودند. سید حمیدرضا، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، شهید محمدعلی باقری، اهل زابل و دانشجوی رشته متالوژی دانشگاه تهران، شهید محمدعلی پهلوان، هم اهل زابل و در رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، مهدی نیکدل در رشته برق دانشگاه پلی‌تکنیک، نوراحمد لطیفی، اهل زاهدان و دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران، جلیل سوادی‌نژاد، دانشجوی رشته شیمی دانشگاه صنعتی شریف، حمیدرضا اشرقی، دانشجوی دانشگاه صنعتی و شهید محمدعلی موحدی از طلاب حوزه علمیه قم و افرادی مانند سید محمود رضویان، محمد مشرف، مصطفی نیکو حرف و سید احمد بنی‌رضی (معروف به عباس قمی)، به علت ارتباط با موحدی، از سوی ساواک به این گروه وصل شدند.

گروه شهید محمدعلی موحدی قمی

گروه محمدعلی موحدی قمی، پیش از پیوستن به گروه فاطمی، مبارزات خود علیه نظام شاهنشاهی را، از سال ۱۳۴۹ش آغاز کرده بود و شهید موحدی، سه بار از سوی نیروهای سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) دستگیر شده بود. اولین دستگیری او، در مراسم ختم شهید آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی رخ داد. بازداشت محمدعلی کوتاه بود و پس از آزادی، همچنان به فعالیت‌های مبارزاتی خود ادامه داد. در بهمن ۱۳۵۰، او دوباره به اتهام نصب اعلامیه‌ای در مدرسه فیضیه دستگیر شد. این اعلامیه در اعتراض به توهین دو سناتور مجلس سنا به امام خمینی، در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۵۰ منتشر شده بود. بخشی از این اعلامیه به شرح زیر بود: «امروز در مجلس سنا توهین به شخصیت حضرت آیت‌الله‌العظمی‌المجاهد خمینی می‌شود. اگر سکوت کنیم، فردا باید شاهد اهانت‌های مهم‌تر به اسلام و ریشه‌کن کردن روحانیت باشیم. پیروزی در سایه اتحاد... ».

مأموران ساواک در ۵ بهمن ۱۳۵۰، نیمه‌شب وارد خانه موحدی شدند و او را دستگیر کردند. در ۹ بهمن ۱۳۵۰، اداره دادرسی ارتش در زندان قزل‌قلعه، قرار بازداشت موحدی را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور صادر کرد. در اول اسفند ۱۳۵۰، ساواک به درخواست آیات عظام قم، برخی از طلاب را که به اتهام حضور در تظاهرات ۲۱ و ۲۲ دی ۱۳۵۰ و پخش اعلامیه‌های حمایت از امام‌خمینی بازداشت شده بودند، آزاد کرد، اما پرونده موحدی را برای اقدامات قانونی به اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی فرستاد. ساواک برای گرفتن اطلاعات از محمدعلی، او را به نزدیکی خانه‌شان برد و تحت شکنجه قرار داد! مادرش که شاهد شکنجه او بود، در شرح آن می‌گوید: «یک شب، صدای ناله‌ای از کوچه به گوش‌مان رسید. ناله قطع نمی‌شد. صدای زدن‌های مداوم، فحش و ناسزا و ناله جانسوز. رفتم بالای بام ببینم کیست. حالم منقلب شد، محمدعلی من بود که ناله می‌کرد! مأمورهای ساواک، پیراهنش را درآورده بودند و شکنجه‌اش می‌کردند! می‌خواستند ما از خانه بیرون برویم و برای آزادی‌اش التماس کنیم، تا محمدعلی بیشتر زجر بکشد و شاید هم به خاطر اصرارها و بی‌تابی‌های ما حرف بزند اما این حیله‌شان نگرفت...».

شهید حمیدرضا فاطمی (نفر دوم از چپ)

> **درس‌های حکومت اسلامی امام خمینی در نجف، به بسیاری از گروه‌های مبارز مذهبی پیام داد که تشکیل حکومت اسلامی یک ضرورت است، نه فقط یک آرمان دور از دسترس. برخی گروه‌های اسلامی که پیش‌تر صرفاً به اصلاحات اجتماعی و فرهنگی توجه داشتند، پس از مطالعه این کتاب به این نتیجه رسیدند که باید برای سرنگونی حکومت پهلوی تلاش کنند. از جمله گروه‌هایی که تحت تأثیر این اندیشه قرار گرفتند، گروه «فجر انقلاب» است**

سرانجام در ۴ آبان ۱۳۵۱ش، موحدی از زندان قزل‌قلعه آزاد شد. او پس از آزادی، یکپارچه شور و عشق نسبت به امام خمینی و کینه و نفرت از رژیم منحوس پهلوی شده بود و مجدداً دوستانش را، به مبارزه‌ای جدی و اساسی با رژیم شاهنشاهی فرا می‌خواند. در این دوران، او همراه با دوستانی چون: سیدمحمود رضویان، مصطفی نیکو حرف، جواد زرگران (پسرخاله‌اش)، محمد مشرف، ابوالفضل اربابی، عباس برقعی و حسین تهرانی کیا مبارزات خود علیه رژیم را از سر گرفت. در روزهای پایانی سال ۱۳۵۱ش، مأموران ساواک برای سومین بار قصد دستگیری شهید موحدی را داشتند و اطراف خانه او را محاصره کردند اما با کمک مادرش موفق به فرار شد. محمدعلی پس از ورود به تهران، در منزل یک پیرزن - که معلم قرآن بود- در حوالی محله شوش ساکن شد. او برای تغییر ظاهر خود، موهایش را بلند کرد و شلوار لی و تیشرت پوشید! سپس در مغازه آقای محمدی یکی از بازاریان مبارز تهران که در بازار حاجب‌الدوله لوازم خانگی می‌فروخت، به عنوان حسابدار مشغول به کار شد. بعد از مدتی، محمدعلی از سوی حمیدرضا اشراقی، با شهید فاطمی آشنا و به گروه آنها پیوست. اشراقی درباره این آشنایی می‌گوید: «یک روزی از قم به تهران می‌آمدم، با شخصی به نام سید عباس بنی‌رضی... که هم محل بودیم، در مورد موضوعات مختلف از جمله مبارزات ضد امنیتی صحبت شد و در تهران هنگام پیاده شدن قرار گذاشتیم که در قم یکدیگر را ملاقات کنیم. دیدار انجام شد و به اتفاق، با موتور به [اطراف] جمکران... رفتم و ضمن تمرین موتورسواری، با تفنگ بادی او تمرین تیراندازی هم می‌کردم و این آشنایی و وجود امکانات [او] را، به گروه یعنی فاطمی گزارش دادم. سپس فاطمی و سید عباس [سید احمد بنی‌رضی] را، به یکدیگر معرفی کردم...».

روش مبارزاتی گروه فجر انقلاب

روش اصلی این گروه، بر مبنای تبلیغات و آگاهی‌بخشی جوانان بود. چنان‌که شهید سید حمیدرضا فاطمی در یکی از بازجویی‌های ساواک می‌گوید: «در عصر حاضر نیروهای مبارز، نه به قصد تصاحب حکومت، بلکه به قصد آگاهی مردم از طریق تبلیغات و تهاجم به منظور نابود ساختن این فکر که طبقه حاکم فناناپذیر است و ارتش و پلیس آن ضربه‌ناپذیر است، فعالیت می‌کنند و به هیچ وجه نباید انتظار داشت عامه مردم به سرعت از لحاظ فکری تجهیز شوند. هر چه شناخت مردم عمیق‌تر باشد، به ثمر رسیدن انقلاب سریع‌تر خواهد بود... ». شهید محمدعلی باقری نیز در بازجویی ساواک به این امر اذعان می‌کند: «یکی از دلائل آن که صحبت کرده بودیم، این بود که ما الان دانشجو هستیم و در بین دانشجویان، الان وقت اینکه اسلحه بگیریم و مثلاً یک منطقه را تصرف کنیم، نیست. ما باید، افراد را تربیت کنیم. مردم عادی هم که سواد ندارند و در امکان‌شان نیست به زودی به این حد برسند، بنابراین ما فقط در بین دانشجویان باید کار کنیم و تبلیغ نماییم. یعنی قشر دانشجو خودش کمی مطالعه دارد و آمادگی دارد و روشن است. اگر ما هم تبلیغات در بین آنها کنیم، آماده مبارزه می‌شوند و فعلاً در مرحله فعلی کار اصلی ما نیست و این یکی از دلایل اصلی کار به نظر من بود، یعنی تبلیغ سیاسی بین دانشجویان... ».

در کارنامه یک‌ساله فعالیت‌های این گروه، اقدامات دیگری چون آتش‌زدن مراکزی مانند: کارخانه آبجوسازی شمس و بمب‌گذاری در دفتر مجله «ستاره سینما» به چشم می‌خورد. این اقدامات به دلیل ماهیت فسادآمیز این مراکز صورت گرفته بود که نشان‌دهنده عمق باور این گروه به لزوم مبارزه با فساد در جامعه و تغییرات اساسی در ساختار حکومتی بود. شهید حمیدرضا فاطمی و یارانش پس از مطالعه کتاب حکومت اسلامی امام‌خمینی، اهداف مبارزه خود را از آن استخراج کردند و پیرو نظر رهبر انقلاب، خواهان برچیدن نظام سلطه و تأسیس حکومت اسلامی شدند. چنانچه وی در بازجویی ساواک، به این مسئله اذعان می‌کند: «هدف کلی ما ایجاد حکومت اسلامی بود که این حکومت را با نیروهای خارجی یا تصادمی با یک گروه نمی‌توان به دست آورد، بلکه در یک جریان طولانی در نتیجه تبلیغات و عملیات تهاجمی، از طرفی افکار مردم را بر علیه حکومت فعلی آگاه کرد و از جانب دیگر، آماده پذیرش اصول واقعی اسلام خواهد شد...».

وی این امر را، بارها در بازجویی‌های ساواک مورد تأکید قرار داد. برای مثال در یکی دیگر از بازجویی‌ها، فاطمی در خصوص هدف مبارزاتی خود و دیگر اعضای گروه می‌گوید: «با این هدف که بتوانیم در تشکیل حکومت اسلامی، سهم خود را در راه آگاهی مردم ایفا کنیم... ». سیدمحمود رضویان که با شهید محمدعلی موحدی در ارتباط بود، می‌گوید: «سال ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱، شهید موحدی کتاب حکومت اسلامی حضرت امام را آورد و به من داد که آن را بخوانم. من هم آن را طی یکی، دو شب مطالعه کردم و از آن زمان تاکنون، آن کتاب مبنای کار و مبارزه من شد... ».

سید احمد بنی‌رضی، یکی دیگر از اعضای گروه که با شهید موحدی در ارتباط بود و در قم فعالیت می‌کرد، در مورد تأثیر این کتاب در جریان مبارزات آنها می‌گوید: «ولایت فقیه هم به صورت جزوه منتشر می‌شد و ما خودمان آن جزوه‌ها را پخش می‌کردیم که بعدها به کتاب تبدیل شد. در مدرسه فیضیه، فردی به نام رحیمی بود که ما هر بار ۴۰، ۵۰ جلد از او می‌گرفتیم و توزیع می‌کردیم. بیشتر اعلامیه‌ها، کتاب‌ها و جزوات امام را، تکثیر می‌کردیم و پیرو ایشان بودیم. آغاز مبارزات ما، به خاطر پیروی از ایشان بود. با ادامه مبارزات، به این نتیجه رسیدیم که باید مبارزه مسلحانه کرد و این تصور را داشتیم که امام آن را تأیید می‌کند... ».

مهدی نیکدل، یکی از اعضای گروه، در مورد تأثیر مطالعه کتاب «حکومت اسلامی» بر روند مبارزات اعضای گروه، چنین می‌گوید: «حقیقتش تا وقتی که کتاب حکومت اسلامی امام را نخوانده بودیم، هیچ تصویری از حکومت اسلامی نداشتیم... مشخصاً کتاب حکومت اسلامی امام را، بچه‌ها در جلد یک رساله وارد زندان قصر کرده بودند که ما آنجا آن را خواندیم. به نظر می‌آید بچه‌های قم، زودتر از ما آن را خوانده بودند. آقای موحدی که اصلاً آن را توزیع کرده بود و آقای فاطمی هم، احتمالاً قبل از ما آن را خوانده بود و یکی از خواسته‌هایشان، تغییر نظام شاهنشاهی به نظام مذهبی بود... ».

مطالعه کتاب حکومت اسلامی امام خمینی، به اعضای این گروه کمک کرد تا مفاهیم کلیدی مانند ولایت فقیه و ضرورت تغییر نظام سلطنتی به نظام اسلامی را درک کنند و مبارزات خود را، بر اساس آن شکل دهند. تأثیر این کتاب، در حقیقت نقطه عطفی در تحولات فکری و عملی اعضای گروه بود و نشان‌دهنده اعتماد و اتکای آنان به رهبری فکری امام و پیروی از نظرات ایشان در ایجاد تغییرات اساسی در کشور بود. در گزارش‌های ساواک نیز هدف نهایی این گروه، مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم مشروطه سلطنتی و تشکیل حکومت واحد اسلامی در ایران عنوان شده است. محمدعلی باقری از اعضای گروه در بازجویی ساواک، هدف از فعالیت مبارزاتی خود را ریشه‌کن کردن فساد از جامعه، با رعایت دستورات قرآن و براندازی رژیم مشروطه سلطنتی و ایجاد حکومت اسلامی در ایران عنوان می‌کند. او در جای دیگری به بازجوی ساواک می‌گوید: «آنچه به نظر من به عنوان هدف گروه مطرح بود، همان تبلیغات در بین دانشجویان و سپس مبارزه مسلحانه که هدف دور بود و سپس چنانچه امکان‌پذیر شود، جامعه‌ای که در آن قوانین اسلام رعایت و دستورات قرآن اجرا شود و فساد از جامعه رخت بربندد و همگی خوشبخت باشند. با هدف نهایی براندازی رژیم مشروطه و برقراری حکومت اسلامی در کشور ایران بود... ».

کلام آخر

تأثیر کتاب حکومت اسلامی امام خمینی بر گروه فجر انقلاب را، نمی‌توان نادیده گرفت. این کتاب، با تبیین نظریه ولایت فقیه و لزوم تشکیل حکومت اسلامی، چارچوبی فکری برای بسیاری از مبارزان فراهم کرد و به آنان مشروعیت و انگیزه‌ای مضاعف برای مقابله با حکومت پهلوی بخشید. گروه فجر انقلاب که از دل جریان‌های انقلابی و متأثر از اندیشه‌های امام خمینی شکل گرفته بود، نه‌تنها از آموزه‌های این کتاب الهام گرفت، بلکه تلاش کرد آن را در عمل به کار گیرد. تأکید امام بر مبارزه با حکومت‌های طاغوتی و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، مسیر حرکت این گروه را مشخص کرد و آنان را به یکی از نیروهای فعال در روند انقلاب اسلامی تبدیل ساخت. آرمانی که بهای آن را، با شهادت و تحمل شکنجه‌ها و سختی‌های زندان پرداختند. در ۱۳بهمن ۱۳۵۴ حکم اعدام محمدعلی باقری و محمود پهلوان و در ۱۷ اسفند همان سال، حکم اعدام حمیدرضا فاطمی و محمدعلی موحدی به دستور شاه در پادگان چیتگر اجرا شد. بی‌تردید با خوانش زیستنامه این شهیدان، در می‌یابیم عناصری که جان خویش را در راه ثبیت و مانایی اصل ولایت‌فقیه تقدیم کردند، تاریخچه‌ای فراتر از دوران برقراری نظام اسلامی و قانونی شدن این اصل اساسی داشتند. از سوی دیگر حضور و نقش آفرینی چهره‌هایی چون: محمدعلی باقری، محمود پهلوان، حمیدرضا فاطمی و محمدعلی موحدی، برای اثبات این امر کافی است که انقلابیون در دوران مبارزه، هدف خویش را کاملاً می‌شناختند و در پی تحقق آن روان شده بودند.